



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2022.73596.1101

مقاله پژوهشی - موردی

دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های کشور (مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶)

ابراهیم صالح‌آبادی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
salehabadi@pnu.ac.ir

چکیده

براساس تحقیقات نظری و تجربی، عامل دین یا جهت‌گیری دینی از عوامل تعیین‌کننده رفتار انتخاباتی است. در ایران پس از پیروزی انقلاب، دین با کنترل نهاد سیاست توانسته است، گستره وسیع‌تری از زندگی را تحت‌تأثیر قرار دهد. با توجه به اهمیت نهاد دین و نظام سیاسی دینی در ایران، تبیین‌نشدن امور از جانب دین، اعوجاجات نظری مربوط به دین در جامعه و اغتشاشات تجربی درباره تأثیر دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی در متون غالب خارجی و کمبود مطالعات مشخص و موثق درباره این موضوع، این مطالعه درصدد بررسی رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های ایران در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری است. روش تحقیق، روش تطبیقی درون‌کشوری و داده‌های آن اسناد ثانویه (دست دوم) و پیمایش‌های قبلی است. جامعه آماری مدنظر، همه داده‌های اسنادی در شهرستان‌های کشور است. واحد تحلیل، شهرستان‌های کشور در واحد زمانی و سطح تحلیل کشور ایران است که جمعیت آماری تحقیق، معادل با ۴۲۶ شهرستان است. داده‌های این مطالعه از نوع داده‌های تجمیعی است. نتایج تحقیق نشان داد که تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی تحت‌تأثیر قومی‌بودن شهرستان قرار دارد و این قومی‌بودن شهرستان است که موجب افزایش و کاهش میزان مشارکت انتخاباتی است، نه

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۹۷-۳۳۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

نوع مذهب. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که دین‌داری تأثیر مهم و اساسی بر مشارکت انتخاباتی ندارد، اما این سخن به معنای تأثیر نداشتن دین‌داری بر نتایج انتخابات و ترجیح انتخاباتی نیست. شاخص‌های دین‌داری، بیشتر از آنکه در مشارکت انتخاباتی مؤثر باشند، در ترجیح انتخاباتی تأثیر دارند.

کلیدواژه‌ها: دین‌داری، نوع مذهب، مشارکت انتخاباتی، آرای باطله، شهرستان‌های

ایران.

۱. مقدمه

در جمهوری اسلامی ایران بررسی رفتار انتخاباتی، یک حوزه نسبتاً جدید پژوهشی به شمار می‌آید. در مقایسه با غرب در جمهوری اسلامی ایران که حکومت خود را طبق قانون اساسی بر مبنای جمهوریت و مردم‌سالاری دینی بنا کرده است و چهار دهه از قدمت آن می‌گذرد، این حوزه مطالعاتی، چندان عمق پیدا نکرده و عمومی نشده است؛ به عبارت دیگر، با توجه به دینی‌بودن نظام سیاسی و در یک کلام، این‌همانی دین و سیاست در سطح کلان جامعه ایرانی، شناخت و رصد رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی حائز اهمیت و درخور توجه بیشتری است. در اینکه دو نهاد دین و سیاست در کشور ما به لحاظ رسمی و سیستماتیک با یکدیگر هم پیوندند، تردیدی نیست، اما در اینکه نمود اجتماعی و عینی این پیوند و شواهد تجربی آن در عرصه عمومی چگونه است، جای بسی تحقیق و بررسی تجربی دارد؛ به‌عنوان مثال، یک سؤال اساسی در این زمینه آن است که شهروندان ایرانی در کنش‌های سیاسی خویش تا چه حد به‌صورت دینی عمل می‌کنند؟ دین، دین‌داری و دینی‌بودن چه ارتباطی با سیاسی‌شدن و کنش سیاسی دارد؟ دین چه نقشی در گسیل پیروانش به عرصه فعالیت سیاسی دارد؟ آیا میان دین‌ورزی و سیاست‌ورزی ارتباط معناداری وجود دارد؟ و ...

درباره نقش و جایگاه مذهب در جوامع دو دیدگاه متناقض وجود دارد. برخی بر این ادعا هستند که با توجه به روند سکولارشدن زندگی اجتماعی، مذهب محکوم به فناست. به عقیده

برخی از دانش‌پژوهان، عامل اصلی و تعیین‌کننده رفتار انتخاباتی طبقه اجتماعی است؛ به طوری که تحلیل‌های بعدی نیز درباره تأثیرگذاری طبقه اجتماعی بر رفتار انتخاباتی، نقش دین را نادیده یا ناچیز شمرده‌اند (طالبان و میرزایی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵). برخی دیگر معتقدند که این روند درحقیقت به معنای نابودشدن مذهب نیست؛ بلکه حکایت از تغییر شکل آن دارد. اینگلهارت^۱ این نظر را که ارزش‌های مادی در جوامع صنعتی جایگزین جهان‌بینی‌های معنوی و مذهبی می‌شود، نمی‌پذیرد و معتقد است در بلندمدت انتقال به جامعه مابعد صنعتی موجب تأکید مجدد بر ارزش‌های معنوی می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص. ۲۰۱). بررسی نتایج داده‌های مطالعات تطبیقی نظام‌های انتخاباتی نیز نشان می‌دهد، دین هنوز در مقایسه با هریک از شاخص‌های پایگاه اقتصادی-اجتماعی، شاخص قوی‌تر و پیوسته‌تری در ارتباط با ترجیح انتخاباتی است (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷؛ ص. ۲۸۹، به نقل از طالبان و میرزایی، ۱۳۸۹، ص. ۳۶). واقعیت مشهود در حوزه‌های جامعه‌شناسی سیاسی و دین این است که تاکنون بحث و فحص درباره ارتباط میان دین و سیاست عمدتاً در سطح تحلیل کلان و در ساحت نظری مطرح شده است؛ اما بررسی تجربی ارتباط میان این دو حوزه غالباً در سطح خرد صورت گرفته است؛ بنابراین به ندرت شاهد بررسی تجربی ارتباط میان آن‌ها در سطح کلان (سیستمی) هستیم؛ از این رو کمبود کار تحقیقی در سطح سیستمی درباره رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی در ایران ضرورت و اهمیت درجه اول این تحقیق است.

با توجه به اهمیت نهاد دین و نظام سیاسی دینی در ایران و بررسی‌نشده‌نشدن مشارکت انتخاباتی در سطح سیستمی و تجربی به وسیله دین‌داری در ایران به وسیله محققان، اعوجاجات نظری مربوط به دین در جامعه (سکولاریسم) و اغتشاشات تجربی درباره تأثیر دین و دین‌داری بر رأی‌دهی در متون غالب خارجی و کمبود مطالعات مشخص و موثق درباره رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در داخل ایران، این مطالعه درصدد بررسی رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های ایران در انتخابات ۱۳۹۶ است.

1. Inglehart

از آنجا که تحقیق فعلی تحقیقی است که در آن متغیر مستقل و وابسته از قبل معلوم و مشخص و در شکل «بررسی ارتباط X و Y » است، محقق در صدد است تا رابطه آن دو را به صورت تجربی در سطح واقعیت نشان دهد. در این مقاله محقق در صدد کشف متغیرهای جدید و مستقل نیست؛ بنابراین نیازمند تدوین مبانی نظری است تا با رجوع به دانش نظری و استفاده از استدلال نظری، چنین ارتباط از قبل فرض گرفته شده‌ای را معقول و موجه کند. هدف این تحقیق، تبیین رابطه بین نوع مذهب، مؤلفه‌های دین‌داری و میزان مشارکت انتخاباتی و الگوهای رأی‌دهی است. سؤالات تحقیق را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد: رابطه نوع مذهب و میزان مشارکت انتخاباتی چگونه تبیین‌شدنی است؟ و رابطه میزان دین‌داری و میزان مشارکت انتخاباتی و الگوهای رأی‌دهی چگونه تبیین‌شدنی است؟

۲. مبانی نظری تحقیق

تحقیقات تبیینی در علوم اجتماعی را می‌توان به دودسته کلی تقسیم کرد: دسته اول شامل پژوهش‌هایی می‌شوند که در ابتدا تنها متبیین یا متغیر وابسته آن معلوم و روشن است و محقق قصد دارد حین انجام تحقیق در مرحله‌ای از مراحل تحقیق با استفاده از نظریه‌ها و پژوهش تجربی و استدلال‌های شخصی، تبیین‌کننده‌ها یا متغیرهای مستقل را انتخاب کند. در اینجا محقق تحقیق خود را در قالب «تبیین جامعه‌شناختی Y » قرار داده و می‌تواند از دو استراتژی اشباع‌کننده (تعیین و تشخیص تمامی متغیرهای مستقل تبیین‌کننده متغیر وابسته) و یا صرفه‌جویانه و امساکی (تعیین و تشخیص حداقلی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار ملهم و مأخوذ از نظریه‌ها، سابقه تحقیق و استدلال‌های شخصی بر اساس مدل‌سازی قیاسی) استفاده کند. دسته دوم از تحقیقات که در آن متغیر مستقل و وابسته از قبل معلوم و مشخص و در شکل «بررسی ارتباط X و Y » است و محقق در صدد است تا رابطه آن دو را به صورت تجربی در سطح واقعیت نشان دهد. از آنجا که متغیرهای تحقیق از قبل معلوم و مشخص است و محقق در صدد کشف متغیرهای جدید و مستقل نیست، هیچ‌یک از استراتژی‌های اشباع و

امساک کاربرد ندارد؛ با وجود این، نیاز به تدوین مبانی نظری برای انجام تحقیق رفع نمی‌شود. در این نوع پژوهش‌ها ضروری است که محقق با رجوع به دانش نظری و استفاده از استدلال نظری، چنین ارتباط از قبل فرض گرفته‌شده‌ای را معقول و موجه کند. سپس با انجام تحقیق تجربی نشان دهد آیا ارتباطی که وجودش به‌طور مستدل مدعی شده است، در عالم واقع نیز به همان شکل وجود دارد یا از نظر تجربی آن مدعا واقعیت ندارد (طالبان، ۱۳۹۹، صص. ۱۴۸-۱۴۹). چون این رویه در تحقیق حاضر به کار گرفته شده است، هم‌اکنون به سراغ دانش تئوریک و استدلال‌های نظری می‌رویم تا ارتباط میان متغیرها انتخاباتی را معقول و موجه کنیم.

۲.۱. نظریه‌ها

نقش مذهب و ایدئولوژی از دیرباز در فعالیت‌های سیاسی مدنظر اندیشمندان و جامعه‌شناسان بوده است و به‌مثابه نظام فرهنگی و پدیده اجتماعی در مطالعات جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی جایگاه خاصی دارد. دین موجب انسجام‌بخشی و اجتماع‌سازی (دورکیم)، معنابخشی (وبر)، اعتمادسازی (پوتنام^۱)، تضادسازی و دشمن‌تراشی (لنسکی^۲)، از خودبیگانگی و تسکین‌بخشی (مارکس) و... می‌شود. دین دارای آثاری در دو سطح فردی و اجتماعی است که در سطح فردی آثاری چون آرامش روانی، خشنودی، رضایت از زندگی، معنابخشیدن به آن، تفسیر صحیح از مرگ و سلامت جسمانی مدنظر است. در سطح اجتماعی نیز انسجام اجتماعی، کاهش جرم و بزهکاری، نوع‌دوستی و حس مسئولیت‌پذیری مهم‌ترین آثار هستند (کتابی، گنجی، احمدی و معصومی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۸).

هاری آلپر^۳ پژوهشگر دورکیمی، چهار کارکرد عمده را برای دین به‌عنوان نیروهای اجتماعی از نظر دورکیم چنین برمی‌شمرد: ۱. انضباط‌بخشی: آماده‌سازی انسان‌ها برای زندگی اجتماعی از طریق تحمیل انضباط بر نفس و خویشتن‌داری؛ ۲. انسجام‌بخشی: تحکیم

1. Putnam
2. Lenski
3. Harry

همبستگی اجتماعی از طریق گردهم آوردن مردم در مراسم مذهبی و تصدیق مجدد پیوندهای مشترک؛ ۳. حیات بخشی: احیا و ابقای میراث اجتماعی گروه از طریق اجرای مراسم دینی و انتقال ارزش های پایدار آن به نسل های آینده و ۴. خوشبختی بخشی: مقابله با احساس ناکامی و فقدان ایمان با برانگیختن احساس خوشبختی در میان مؤمنان و احساس اطمینان به حقانیت جهان اخلاقی (کوزر، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۰، به نقل از ریاحی ریاحی، علیوردی نیا و بنی اسدی، ۱۳۸۷، ص. ۶۲). جامعه شناسان نوین افکار دورکیم را تکمیل کرده اند و کارکردهای اجتماعی متعددی را برای مذهب تشخیص داده اند؛ از جمله همبستگی اجتماعی، دادن معنی به زندگی، کنترل اجتماعی و حمایت روانی؛ بنابراین مذهب، افراد را در دنیای ناامنی ها، به ویژه ناامنی های روانی حمایت عاطفی می کند و آن ها را در حوادث مهم زندگی یاری می دهد. با وجود چنین تأثیرگذاری، در باب تأثیر دین بر سیاست به طور عام و مشارکت انتخاباتی به طور خاص، نظریه هایی که برای توضیح تأثیر دین داری بر مشارکت انتخاباتی وجود دارد، دارای انشقاقی است و توضیح جامع و کاملی برای این توضیح وجود ندارد. در زمینه رابطه دین داری و انتخابات، ما می توانیم به نظریه های اشاره کنیم که متکلف توضیح و تفسیری نظری دین بر ترجیح انتخاباتی هستند تا مشارکت انتخاباتی و آن ها عبارت اند از: نظریه جنگ های فرهنگی، نظریه شکاف ها و نظریه قومی-مذهبی، تعلقات اجتماعی، دل بستگی گروهی، سرمایه اجتماعی و نظریه ایدئولوژی مسلط (برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به میرزایی، ۱۳۹۲؛ کشاورز، یزدخواستی و ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۴؛ زارع و روهنده، ۱۳۹۵؛ سیدامامی، ۱۳۸۶؛ سیدامامی و عبدالله، ۱۳۸۸؛ سیدامامی و مددلو، ۱۳۹۴؛ رهبر قاضی، امام جمعه زاده، نوربخش و خاکی، ۱۳۹۵؛ امام جمعه زاده، رهبر قاضی، برزگر قاضی و صادقی نقدعلی، ۱۳۹۲؛ دارابی، ۱۳۸۸). نظریه های مذکور بیشتر برای تحلیل و تبیین ترجیح انتخاباتی به کار می رود تا مشارکت انتخاباتی.

در متون موجود، به‌طور کلی دین از سه راه بر مشارکت انتخاباتی می‌تواند تأثیر بگذارد که هرکدام از این‌ها بعدی از ابعاد دین (دکترین، وابستگی و مشارکت) هستند و نظریه‌های مذکور درصدد توضیح تأثیرگذاری دین بر مشارکت سیاسی هستند که عبارت‌اند از: از طریق محتوای آموزه‌های دینی (سازگار و یا ناسازگار با مشارکت سیاسی) که در فرایند جامعه‌پذیری مذهبی کسب می‌شود و بنای نظریه یادگیری اجتماعی است. برخی از مذاهب مشارکت سیاسی را تشویق و برخی آن را مذموم می‌دارند؛ از طریق ارتباط نهادی (یکی بودن و جدایی دین از سیاست) که موجب شکل‌گیری مذهب حاکم و اقلیت دینی و در نتیجه همگرایی و واگرایی نسبت به نظام سیاسی می‌شود. در نهایت در حوزه انتخابات به شکل‌گیری مشارکت یا بیگانگی و انزوای سیاسی منجر می‌شود. این مکانیسم بنای نظریه جنگ‌های فرهنگی و نظریه شکاف‌های مذهبی است. از طریق سازمان و اجتماع‌سازی و عضویت در آن‌ها که به‌عنوان مجاری انتقال تجارب و مهارت‌های مدنی، اطلاعات و انگیزش‌های سیاسی، آموزش شهروندی، عضوگیری برای جریان‌های سیاسی همسو، سازمان‌دهی سیاسی و بسیج گروهی، بسیج‌کنندگی منابع و... بر میزان‌های مشارکت تأثیر می‌گذارند (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۵۹).

هرکدام از مکانیسم‌های مذکور، توسط نظریه‌های موجود برای توضیح تأثیرگذاری دین بر مشارکت انتخاباتی به کار برده می‌شود. ممکن است یک نظریه برای توضیح تأثیرگذاری از دو یا همه مکانیسم‌های مذکور استفاده کند.

۲.۲. پیشینه تحقیق

تحقیقات زیادی در خارج از کشور وجود دارد که بر رابطه میزان دین‌داری (میزان کلیسا رفتن) و میزان مشارکت انتخاباتی اشاره دارند که برای جلوگیری از طولانی شدن مقاله از ارائه آن معذوریم.^۱ تحقیقاتی که رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی را در سطح سیستمی

۱. برای مشاهده این آثار به حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۹) و معمار (۱۳۹۶) مراجعه شود.

(شهرستان و استان) در ایران، بررسی کرده‌اند و ارتباط مهمی با موضوع این مقاله دارند، یک رساله در مقطع دکترا، دو پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد و یک مقاله است که به ترتیب معمار (۱۳۸۸)، سراج‌زاده (۱۳۶۸)، رضی (۱۳۷۴) و حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۹) انجام داده‌اند. در ادامه درباره نتایج این تحقیقات توضیح داده می‌شود.

معمار (۱۳۹۱) با تحلیل سیستمی (۱۸۹ شهرستان)، یک دوره ۱۶ ساله (۱۳۶۸-۱۳۸۴) و دوره‌های پنجم (۱۳۶۸)، هفتم (۱۳۷۶) و نهم (۱۳۸۴) دوره‌های انتخابات ریاست جمهوری نشان می‌دهد که اگر افزایش نسبت طبقات متوسط در جمعیت، با افزایش میزان دینی بودن جامعه همراه باشد، میزان رأی‌دهی نیز بالا خواهد بود و برعکس. این یافته نشان می‌دهد که ارتباط میان نسبت طبقات متوسط در جمعیت و میزان رأی‌دهی در شهرستان‌های کشور، به‌طور معناداری متأثر از میزان دینی بودن آن‌هاست (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۱). تحقیق همچنین نشان می‌دهد که میانگین میزان رأی‌دهی شهرستان‌های شیعه‌نشین و سنی‌نشین در مقطع بررسی شده، تفاوت معناداری با یکدیگر دارد و میانگین رأی‌دهی شهرستان‌های سنی‌نشین پایین‌تر از شهرستان‌های شیعه‌نشین است (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۵۵). تحلیل رگرسیونی به ما می‌گوید که صرف‌نظر از نوع مذهب، میزان دینی بودن شهرستان‌ها به‌تنهایی و به نحو معناداری نزدیک به ۴۰ درصد از واریانس میزان مشارکت انتخاباتی آن‌ها را توضیح می‌دهد که حاکی از نقش و تأثیر نسبتاً قدرتمند آن در تبیین این فرایند سیاسی مهم است (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۸).

سراج‌زاده (۱۳۶۸) با استفاده از چهارچوب نظری مدرنیزاسیون و انتخاب ۸۰ شهرستان (از ۱۹۵ شهرستان) و داده‌های سرشماری سال ۱۳۵۵، میزان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری (سال ۱۳۵۸ و ۱۳۶۳) و مجلس (سال ۱۳۵۸ و ۱۳۶۳) را بررسی کرده است. او نشان می‌دهد تبلیغات و انگیزش‌های دینی برای تشویق و ترغیب مردم به عمل سیاسی و شرکت در انتخابات در اقشار وسیعی از مردم نافذ و مؤثر می‌افتد (سراج‌زاده، ۱۳۶۸، به نقل از سرداری، ۱۳۹۱، ص. ۱۵).

رضی (۱۳۷۴، ۱۳۸۰) با تحلیل انتخابات شش دوره ریاست جمهوری از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۲ در استان‌های کشور مدعی است میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری در استان‌هایی که نسبت افراد معتقد به مذهب شیعه بیشتر از سایر مذاهب (اهل تسنن، مسیحیان و...) بوده، بیشتر از استان‌های دیگر بوده است. همچنین این مذهبی‌ها هستند که مشارکت فعالانه در امور سیاسی جامعه دارند و در مقابل آنان که دارای گرایش‌های رقیق‌تر مذهبی هستند و کسانی که مذهبی نیستند، میزان مشارکت سیاسی‌شان محدودتر است (رضی، ۱۳۸۰، صص. ۲۰۲-۲۰۳).

نتایج تحقیق حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۹) نیز با بررسی در سطح استان‌های ایران نشان می‌دهند رابطه بین دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در بین استان‌های ایران برحسب مرزی‌بودن و قومی‌بودن متفاوت است. محققان تأثیر متفاوت و متباین میزان شرکت در نماز جمعه بر مشارکت انتخاباتی را در سال‌های متعدد نشان داده‌اند. در انتخابات ۱۳۸۸، برخلاف انتخابات ۱۳۸۰، ۱۳۸۴، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶، استان‌هایی که بیشتر در نماز جمعه شرکت کرده‌اند، مشارکت انتخاباتی آن‌ها کمتر از استان‌هایی بوده است که کمتر در نماز جمعه شرکت کرده‌اند و تأثیر دین‌داری تا حد خاصی است و بیش از آن تأثیری ندارد؛ به این معنا که در جامعه میزان خاص و ویژه‌ای از دین‌داران وجود دارند که همیشه همین تعداد در انتخابات شرکت می‌کنند (حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۹). این مقاله در مقایسه با آثار دیگر، نوعی وسواسی درباره نتایج دیگرگونه تأثیر دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی دارد.

سابقه تحقیق ارائه‌شده آسیب‌هایی دارد که در بخش نتیجه‌گیری به آن‌ها اشاره می‌شود. در این مقاله تلاش داریم، در حد وسع (داده‌های موجود) و بضاعت نویسنده رابطه ابعاد دین‌داری را با مشارکت انتخاباتی بررسی و کاستی‌های تحقیقات پیشین را تا حد امکان جبران کنیم.

۳. روش تحقیق

روش پژوهش این تحقیق، روش تطبیقی درون‌کشوری^۱ (از نوع طولی) است. در این روش به مقایسه واحدهای اجتماعی (شهرستان‌های ایران) مدنظر پژوهش می‌پردازند. در جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک بررسی کتابخانه‌ای شامل کتب، مقالات، تحقیقات، پایان‌نامه‌ها و داده‌های اسناد ثانویه (دست دوم) برآمده از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در دوازدهمین دوره استفاده شده است. جامعه آماری مدنظر همه داده‌های اسنادی در شهرستان‌های کشور است. واحد تحلیل، شهرستان‌های کشور در واحد زمانی و سطح تحلیل کشور ایران است که جمعیت آماری تحقیق، برابر با ۴۲۶ شهرستان است که داده‌های مربوط به عوامل تبیین‌کننده و تبیین‌شونده برای آن‌ها موجود بوده است. داده‌های این مطالعه از نوع داده‌های تجمیعی است؛ به این ترتیب تحلیل با استفاده از یافته‌های دین‌داری تجمیعی برای هر شهرستان در سطح فردی مدنظر قرار می‌گیرد.

۳.۱. تعاریف متغیرها

در این بخش از مقاله تعاریف متغیرها و نحوه سنجش آن‌ها را ارائه می‌دهیم.

مشارکت انتخاباتی: برای سنجش میزان مشارکت انتخاباتی از اطلاعات ارائه‌شده از سوی وزارت کشور استفاده شده است. در این مقاله، مشارکت انتخاباتی، محدود به دوره دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری است که برای آن‌ها داده‌های متغیر مستقل (شاخص‌های دین‌داری) موجود هستند.

دین‌داری: ما برای سنجش دین‌داری شهرستان‌ها از اطلاعات ثانویه استفاده کردیم. دین‌داری از پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران^۲ (دفتر طرح‌های

1. Sub-national

۲. واحد جمع‌آوری داده و اطلاعات در این طرح (پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران) شهر مرکز شهرستان است که ما داده و اطلاعات آن را برای کل شهرستان به کار می‌بریم؛ زیرا داده و اطلاعات متغیر وابسته (مشارکت انتخاباتی) ما در سطح شهرستان است و از این منظر، نتایج تحقیق ممکن است در مظان شک و شبهه قرار گیرد

ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۹۶، ۳۱ جلد). استخراج و براساس فنون آماری شاخص‌سازی شده است: در این مقاله شاخص‌های زیر بررسی می‌شود: نوع مذهب (سنی و شیعه بودن شهرستان‌ها)، اقامه نماز، روزه‌گرفتن، شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه، پرداخت خمس، باور به حضور خداوند، داشتن مرجع تقلید، نحوه برخورد با ناهمنوایی‌های اجتماعی و عضویت در اجتماعات مذهبی.

شایان ذکر است که ما برای شاخص‌سازی، ترکیب و تجمیع داده‌ها به این صورت اقدام کردیم؛ به‌عنوان نمونه: انجام اعمال دینی (اقامه نماز، روزه‌گرفتن، شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس): این اعمال در پیمایش به‌صورت طیف چهارگزینه‌ای (هیچ‌وقت، گاهی اوقات، اکثر اوقات و همیشه) پرسیده شده است. ما برای شاخص‌سازی ابتدا درصد هر گزینه را به‌ترتیب در اعداد ۱ تا ۴ ضرب کرده و سپس با هم تجمیع کرده و درنهایت بر عدد ۱۰۰ تقسیم کردیم؛ به‌عنوان مثال، برای روزه‌گرفتن دو شهرستان گمیشان و داراب به‌صورت زیر اقدام کردیم:

که داده‌های سطح شهری را در سطح شهرستان به کار گرفته است؛ اما با توجه به اوصاف شهرهای مرکز شهرستان‌های ایران، می‌توانیم این تعمیم را تعمیم درست و بجا بدانیم؛ زیرا بیشتر جمعیت شهرستان‌های کشور، در شهر مرکز شهرستان ساکن هستند و در بیشتر شهرستان‌های کشور، نسبت کمی از جمعیت در خارج از شهرهای مرکز شهرستان ساکن باشند؛ بنابراین بیشتر شهرهای مرکز شهرستان‌های ایران نماینده کل شهرستان هستند و علاوه بر این، از آنجاکه این تعمیم برای تمامی شهرستان‌ها صورت می‌گیرد و دین‌داری بالاتر روستاها و شهرهای غیر مرکز شهرستان‌ها به‌صورت سیستماتیک در همه شهرستان‌ها جاری و ساری است، می‌توان آن را نادیده گرفت.

جدول ۱- نحوه محاسبه شاخص های دین داری

میزان روزه گرفتن در شهرستان	همیشه	اکثر اوقات	گاهی اوقات	هیچ وقت	
	۹۷	۰	۱	۰	توزیع نسبی افراد در شهرستان گمیشان برحسب وزن
	۴	۳	۲	۱	
	۳۸۸	۰	۲	۰	جمع
	۰	۴/۷	۵۹/۱	۳۶/۳	توزیع نسبی افراد در شهرستان داراب برحسب وزن
	۴	۳	۲	۱	
	۰	۱۴/۱	۱۱۸/۲	۳۶/۳	جمع
					۱۶۸/۶ / ۱۰۰ = ۱,۶۸

درباره میزان روزه گرفتن شهرستان گمیشان، می توان گفت که این شهرستان با کسب ۳/۹ نمره از ۴ نمره، بیشترین میزان روزه گرفتن و شهرستان داراب با نمره ۱/۶۸ از ۴ نمره، کمترین میزان روزه گرفتن را در بین شهرستانها دارد؛ به این معنا که میزان روزه گرفتن در شهر گمیشان نزدیک به عدد ۴ (همیشه) و میزان روزه گرفتن در شهرستان داراب میانه عدد ۱ و ۲ (هیچ وقت و گاهی اوقات) قرار دارند. برای اعمال دیگر (نماز، شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس) نیز به صورت ذکر شده در بالا عمل کردیم.

۴. یافته های تحقیق

در این بخش از مقاله، نخست تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی را گزارش می دهیم. سپس با ارائه تحلیل های دو متغیره (تحلیل همبستگی) و تحلیل چندمتغیره (تحلیل رگرسیون) رابطه بین میزان دین داری و مشارکت انتخاباتی را بررسی می کنیم.

۴.۱. نوع مذهب و مشارکت انتخاباتی

در بررسی رابطه بین نوع مذهب و مشارکت انتخاباتی با توجه به سطح سنجش اسمی متغیر مستقل (دو گروه شهرستان سنی نشین و شیعه نشین)، از آزمون مقایسه میانگین بین دو گروه استفاده می کنیم. در تحقیقات قبلی تفاوت معناداری بین میزان مشارکت انتخاباتی بین شهرستان های شیعه نشین و سنی نشین (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۷) و بین استان های شیعه نشین

و سنی‌نشین (رضی، ۱۳۸۰، ص. ۲۲۳) وجود داشت و مناطق (استان و شهرستان) شیعه‌نشین مشارکت انتخاباتی بیشتری در مقایسه با مناطق سنی‌نشین داشتند. محققان نوع مذهب مناطق (شیعه و سنی بودن) را عامل مؤثر در مشارکت انتخاباتی این مناطق بیان کردند (معمار، ۱۳۹۱؛ رضی، ۱۳۸۰). ما برای آزمون تأثیر نوع مذهب بر میزان مشارکت انتخاباتی، با استفاده از آزمون مقایسه میانگین‌ها برای دو نوع شهرستان شیعه‌نشین و سنی‌نشین دریافتیم که تفاوت معناداری بین این دو نوع شهرستان وجود دارد و میزان مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های شیعه‌نشین بیشتر از شهرستان‌های سنی‌نشین و میزان آرای باطله در شهرستان‌های سنی‌نشین بیشتر از شهرستان‌های شیعه‌نشین است. معیار تشخیص سنی و شیعه‌بودن شهرستان براساس معیار معمار و تحلیل‌های محقق مقاله است^۱. شایان ذکر است که کاهش و افزایش چنین شهرستان‌هایی، یافته‌های تحلیل را مخدوش نمی‌کند. جدول ۲ تحلیل مقایسه میانگین میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله را در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری بین شهرستان‌های شیعه‌نشین و سنی‌نشین نشان می‌دهد (با ۲۰ شهرستان سنی‌نشین برحسب تحلیل معمار و ۶۱ شهرستان سنی‌نشین براساس تحلیل محقق).

۱. شایان ذکر است که شهرستان‌های سنی‌نشین و اهل سنت ایران به‌خاطر برخی مسائل مشخص نیست. معمار در اثر خود (۱۳۹۱، ص. ۲۱۸) با استفاده نظر هفت داور کارشناس و متخصص، شهرستان‌های زیر را سنی‌نشین قلمداد کرده است: زاهدان، مریوان، تربت جام، قشم، میاندوآب، نقده، چابهار، تایباد، پیرانشهر، بانه، پاوه، سراوان، بندر ترکمن، سقز، ایرانشهر، سنندج، سردشت، مهاباد، سرپل زهاب و قروه (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۲). ما براساس کم‌بودن داشتن مرجع تقلید و مفروضات دیگر، ۶۱ شهرستان کشور را سنی‌نشین قلمداد کردیم.

جدول ۲- مقایسه میانگین میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله بین شهرستان‌های شیعه‌نشین و سنی‌نشین

توضیحات	سطح معناداری	انحراف	میانگین	تعداد	نوع مذهب	
تحلیل با ۲۰ شهرستان	P-value= ۰/۰۱۱	۹۱/۱۱	۱۵/۸۱	۴۰۶	شیعه	میزان مشارکت انتخاباتی
		۱۳/۱۷	۷۲/۷۲	۲۰	سنی	
	P-value= ۰/۰۰۰	۱/۷۵	۳/۰۳	۴۰۶	شیعه	آرای باطله
		۴/۴۶	۵/۳۷	۲۰	سنی	
تحلیل با ۶۱ شهرستان	P-value= ۰/۰۱۱	۱۱/۸۷	۸۱/۵۵	۳۶۵	شیعه	میزان مشارکت انتخاباتی
		۱۲/۳۵	۷۵/۹۵	۶۱	سنی	
	P-value= ۰/۰۰۰	۱/۴۲	۲/۹۰	۳۶۵	شیعه	آرای باطله
		۳/۷۷	۴/۵۷	۶۲	سنی	

مقایسه میانگین‌ها نشان داد که در شهرستان‌های سنی‌نشین نسبت به شهرستان‌های شیعه‌نشین میزان مشارکت انتخاباتی کمتر و میزان آرای باطله بیشتر است، اما مسئله این است که آیا این تفاوت را می‌توان به تأثیر نوع مذهب ارجاع داد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا نوع مذهب موجب تغییر در میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله شهرستان‌ها شده است یا عوامل دیگری در این امر دخیل هستند؟ با توجه به نقدهایی که بر یافته‌های معمار وارد کردیم که در فرازهای بعدی به آن می‌پردازیم، تحلیل در سطح استان نشان داد که مرزی‌بودن و قومیت استان‌ها در میزان مشارکت انتخاباتی تأثیر دارد و از آنجاکه تأثیر نوع مذهب با تأثیر مرزی‌بودن و قومیت شهرستان‌ها تعامل و هم‌پوشی دارد و اکثر شهرستان‌های سنی‌نشین متصف به مرزی‌بودن و قومیت هستند، تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی را باید با احتیاط به کار برد. ما برای رصد هرچه دقیق‌تر تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی و آرای باطله، دو متغیر مرزی‌بودن و قومی‌بودن شهرستان را کنترل کردیم تا از این طریق تأثیر نوع مذهب بر میزان مشارکت انتخاباتی را فارغ از مرزی‌بودن و قومی‌بودن، بررسی کنیم. از آنجاکه متغیر مرزی‌بودن، برخلاف قومیت تأثیر مهم و اساسی بر تأثیر و تأثر (تعامل) نوع مذهب و مشارکت انتخاباتی نداشت، ما تحلیل و آزمون آن را ارائه نمی‌دهیم. درباره تأثیر

قومیت می‌توان گفت که شهرستان‌های متصف به قومیت^۱ میزان مشارکت انتخاباتی کمتر و میزان آرای بیشتری نسبت به شهرستان‌های غیرقومی دارند. جدول ۳ مقایسه میانگین مشارکت انتخاباتی و میزان آرای باطله را در شهرستان‌های قومی و غیرقومی نشان می‌دهد.

۱. با توجه به نامشخص بودن هویت قومی شهرستان‌ها در ایران، برای تعیین و تشخیص قومی بودن و غیرقومی بودن شهرستان‌ها (نه هویت قومی و قومیت آن‌ها) براساس زبان رایج شهرستان عمل کردیم و شهرستان‌هایی که حداقل نصفی از جمعیت آن شهرستان (۵۰ درصد) به زبان غیرفارسی (آذری، ترک، کرد، لر، عرب، ترکمن، لک، بلوچی و ...) تکلم کنند، آن شهرستان را قومی قلمداد کرده‌ایم. محتمل است که اخذ چنین معیاری سهل‌انگارانه و غیرعلمی باشد؛ زیرا زبان نمایانگر مناسبی برای بازگویی قومیت نباشد. با وجود معایب این‌چنینی و معایب دیگر و به دلیل مخاطرات احتمالی در به‌کارگیری معیارهای دیگر (معیارهای دیگر نیز خالی از اشکال نیست و گردآوری داده برای آن معیارها سخت است)، با توجه به اقتضائات روشی (آسان بودن و در دسترس بودن) در جمع‌آوری داده، ما آسان‌ترین معیار - و محتمل است که مشکوک‌ترین و معیوب‌ترین معیار باشد - را به کار گرفته‌ایم. براساس این معیار، به‌قرار زیر عمل کردیم:
 - الف. اکثر قریب به اتفاق شهرستان‌های استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، زنجان، قزوین، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و لرستان و همچنین بیشتر شهرستان‌های ایلام، سیستان و بلوچستان، گلستان و همدان را جزو شهرستان‌های قومی قلمداد کردیم.
 - ب. اکثر قریب به اتفاق شهرستان‌های استان‌های البرز، تهران، خراسان‌جنوبی، سمنان، قم و یزد و بیشتر شهرستان‌های خراسان رضوی (به‌جز شهرستان‌های شمالی استان از قبیل قوچان، درگز، جوین، خوشاب، جغتای و کلات) را غیر قومی قلمداد کردیم.
 - ج. برای سایر شهرستان‌ها با مراجعه به سایت‌های دانشنامه‌ای (از قبیل ویکی‌پدیا) و تارنماهای دیگر در اینترنت برای استان‌های اصفهان، بوشهر، فارس، کرمان، گیلان، مازندران، مرکزی و هرمزگان اقدام کردیم.با توجه به معایب چنین تعریفی از قومیت، در تحلیل شهرستان‌های متصف به قومیت، محتمل است که اعتبار و روایی اندازه‌گیری ما در مظان شک و تردید قرار گیرد. با وجود چنین معایبی تا اطلاع ثانویه ناچاریم شدیم به چنین تحلیلی اطمینان کنیم.

جدول ۳- مقایسه میانگین میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله بین شهرستان‌های قومی و غیرقومی

سطح معناداری	انحراف میانگین	میانگین	تعداد	وجود قومیت	
P-value=۰/۰۷	۱۱/۴۴	۸۰/۰۰	۲۷۳	قومی	میزان مشارکت انتخاباتی
	۱۳/۰۳	۸۲/۲۴	۱۵۶	غیرقومی	
P-value=۰/۰۰۰	۲/۳۸	۳/۴۳	۲۷۳	قومی	آرای باطله
	۱/۰۵	۲/۶۵	۱۵۶	غیرقومی	

برای کنترل قومی بودن شهرستان‌ها در تحلیل تأثیر نوع مذهب شهرستان بر میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله، ما میانگین میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله شهرستان‌های قومی و غیرقومی شهرستان‌های سنی‌نشین و شیعه‌نشین را در جدول ۴ نشان داده‌ایم. جدول زیر تأثیر نوع مذهب و قومی و غیرقومی بودن آن را نمایان می‌سازد. جدول نشان می‌دهد که میزان مشارکت انتخاباتی شهرستان‌های سنی‌نشین در شرایط قومی بودن (۷۴/۸۶) پایین‌تر از میزان مشارکت انتخاباتی شهرستان‌های شیعه‌نشین در شرایط قومی بودن (۸۱/۲۴) است و در شرایط غیرقومی بودن میزان مشارکت انتخاباتی شهرستان‌های سنی‌نشین (۸۳/۱۹) تفاوت معناداری با میزان مشارکت انتخاباتی شهرستان‌های شیعه‌نشین (۸۲/۹) ندارد. این امر برای میزان آرای باطله نیز صادق است و شهرستان‌های سنی‌نشین قومی میزان آرای باطله بیشتری نسبت به شهرستان‌های شیعه‌نشین قومی دارند (مقایسه میزان آرای باطله ۴/۹۳ با میزان آرای باطله ۳/۰۷).

جدول ۴- مقایسه میانگین میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله بین شهرستان‌های قومی و غیرقومی

معداری	انحراف میانگین	میانگین	تعداد	نوع شهرستان	متغیر وابسته	قومی بودن و نبودن
۰/۰۰۱	۱۲/۱۶	۷۴/۸۶	۵۳	سنی	میزان مشارکت انتخاباتی	قومی
	۱۰/۹۳	۸۱/۲۴	۲۲۰	شیعه		
۰/۰۰۱	۳/۹۱	۴/۹۳	۵۳	سنی	آرای باطله	
	۱/۶۵	۳/۰۷	۲۲۰	شیعه		
۰/۸۲۴	۱۱/۸۴	۸۳/۱۹	۸	سنی	میزان مشارکت انتخاباتی	غیرقومی
	۱۳/۱۲	۸۲/۱۹	۱۴۸	شیعه		
۰/۱۳۳	۰/۸۴	۲/۶۸	۸	سنی	آرای باطله	
	۱/۰۶	۲/۶۸	۱۴۸	شیعه		

بنابراین براساس تحلیل مقایسه میانگین‌ها می‌توان گفت که تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی و آرای باطله تحت تأثیر قومی بودن شهرستان قرار دارد و این قومی بودن شهرستان است که موجب افزایش و کاهش میزان مشارکت انتخاباتی است، نه نوع مذهب. شاهد این مطلب را می‌توان در میزان مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های سنی‌نشین و شیعه‌نشین غیرقومی دید که تفاوت معناداری باهم ندارند (۸۳/۱۹ با ۸۲/۱۹) و همچنین این امر که شهرستان‌های سنی‌نشین غیرقومی به اندازه شهرستان‌های شیعه‌نشین غیرقومی آرای باطله یکسانی را در صندوق‌های رأی ریخته‌اند (۲/۶۸ درصد آرای باطله بر هر دو نوع شهرستان است)؛ به عبارت دیگر، ۲/۶۸ درصد از آرای صندوق‌های شهرستان‌های غیرقومی باطله است. حال فرقی نمی‌کند این شهرستان سنی باشد یا شیعه؛ چون آنچه موجب تفاوت می‌شود، قومی بودن و غیرقومی بودن شهرستان‌ها است، نه سنی و شیعه بودن شهرستان.

۴.۲. دین‌داری و مشارکت انتخاباتی

در بررسی رابطه بین میزان دین‌داری و مشارکت انتخاباتی با توجه به سطح کمی و نسبی متغیرها ما از تحلیل دومتغیره استفاده می‌کنیم. در ابتدا رابطه بین دو شاخص دین‌داری (میزان احساس حضور و ناظر بودن خداوند و میزان داشتن مرجع تقلید) و میزان مشارکت انتخاباتی را بررسی می‌کنیم. جدول ۴ رابطه بین متغیرها را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی مرتبه صفر میزان احساس حضور و ناظر بودن خداوند و داشتن مرجع تقلید با میزان مشارکت انتخاباتی مستقیم و خیلی ناچیز است. ضریب همبستگی مرتبه صفر بین میزان احساس حضور و ناظر بودن خداوند و میزان آرای باطله معکوس و خیلی ناچیز است و نمی‌توان بر پیوند بین آن‌ها حکم داد.

جدول ۵- ضریب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری و مشارکت انتخاباتی و آرای باطله در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری (۱۳۹۶)

شاخص دین‌داری	مشارکت انتخاباتی	آرای باطله
میزان موافقت درباره این‌که خداوند در همه‌جا حضور دارد و ناظر اعمال ماست	۰/۰۶۰	-۰/۰۴۳
داشتن مرجع تقلید	۰/۰۹۷	-۰/۲۳۲**
داشتن مرجع تقلید (با حذف ۲۰ شهرستان سنی‌نشین) ^۱	۰/۱۳۱**	-۰/۳۰۹**
داشتن مرجع تقلید (با حذف ۶۰ شهرستان سنی‌نشین) ^۲	۰/۱۳۱*	-۰/۱۶۴**
*معنادار در سطح ۰/۰۵ . **معنادار در سطح ۰/۰۱		
۱. شایان ذکر است که شهرستان‌های سنی‌نشین و اهل سنت ایران، به دلیل برخی مسائل مشخص نیست. معمار (۱۳۹۱) با استفاده نظر هفت داور کارشناس و متخصص (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۸) شهرستان‌های زیر را سنی‌نشین قلمداد کرده است: زاهدان، مریوان، تربت جام، قشم، میاندوآب، نقده، چابهار، تایباد، پیرانشهر، بانه، پاوه، سراوان، بندر ترکمن، سقز، ایرانشهر، سنندج، سردشت، مهاباد، سرپل زهاب و قروه (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۲). در اینجا ۲۰ شهرستان مذکور از تحلیل حذف شده‌اند.		
۲. ما براساس کم‌بودن میزان داشتن مرجع تقلید در برخی شهرستان‌ها، چنین شهرستان‌هایی را سنی‌نشین قلمداد کردیم. شایان ذکر است که کاهش و افزایش چنین شهرستان‌هایی، برای رابطه بین داشتن مرجع تقلید و مشارکت انتخاباتی تغییر نمی‌کند؛ بلکه ضرایب همبستگی کاهش می‌یابد.		

ضریب همبستگی مرتبه صفر بین داشتن مرجع تقلید و میزان مشارکت انتخاباتی مستقیم و ضعیف است. ضریب همبستگی مرتبه صفر بین داشتن مرجع تقلید و میزان آرای باطله معکوس و در حد متوسط و معنادار^۱ است و با افزایش افراد دارای مرجع تقلید در شهرستان‌های کشور میزان آرای باطله کاهش می‌یابد. با ملاحظه این نکته که میان اهل تسنن و تشیع درباره تقلید و جایگاه آن تفاوت وجود دارد و شهرستان‌های که سنی‌نشین هستند، کمتر از شهرستان‌های شیعه‌نشین دارای مرجع تقلید هستند^۲، ما برای برقراری رابطه بین داشتن مرجع تقلید و مشارکت انتخاباتی، شهرستان‌های سنی‌نشین را از تحلیل حذف کردیم. با حذف شهرستان‌هایی ضریب همبستگی ضعیفی بین میزان داشتن مرجع تقلید و مشارکت انتخاباتی ایجاد شد که نشانگر تأثیر این متغیر بر مشارکت انتخاباتی است.

جدول ۷ ضرایب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری را با مشارکت انتخاباتی و آرای باطله در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری (۱۳۹۶) نشان می‌دهد.

۱. شایان ذکر است که استفاده از آزمون‌های معناداری فقط هنگامی مناسب است که داده‌ها از یک نمونه احتمالی به دست آمده باشند و برای نمونه‌های غیر احتمالی کاربرد ندارد و اگر داده‌ها مربوط به یک جمعیت باشند، استفاده از آن‌ها بی‌معناست (بلیکی، ۱۳۸۹، ص. ۲۴). متأسفانه معناداری آماری یافته‌های تحقیق، کاملاً به‌غلط، معمولاً با اهمیت عملی یا ذاتی نتایج تحقیق به اشتباه گرفته می‌شود؛ درحالی‌که که این اهمیت وابسته به قضاوت ماست و نمی‌توان آن را به‌طور مکانیکی با روش‌های آماری تعیین کرد (بلیکی، ۱۳۸۹، ص. ۲۷۰). به دلیل استفاده نامناسب از این امر، ما نیز در این مقاله معناداری را می‌آوریم، ولی اساس کار ما بر معناداری آزمون‌ها قرار ندارد.
۲. ما برای استدلال خود مبنی بر پایین بودن تقلید از مراجع در شهرستان‌های سنی‌نشین، میزان داشتن مرجع تقلید در برخی از شهرستان‌های سنی‌نشین را در جدول ۶ ارائه می‌کنیم که در حد پایینی است.

تربت‌جام	سردشت	پاوه	سرپل زهاب	قروه	مریوان	بانه	سقز	سنندج	چابهار	مهاباد
۵۷٫۸	۵۶٫۴	۴۶٫۵	۴۱٫۵	۳۸٫۶	۱۶٫۸	۱۳٫۸	۳۰	۹٫۶	۵٫۵	۲٫۷

جدول ۷- ضریب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری و مشارکت انتخاباتی و آرای باطله در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری (۱۳۹۶)

شاخص دین‌داری	مشارکت انتخاباتی ۹۶	آرای باطله
اقامه نماز	۰/۰۵۶	-۰/۱۱۶*
روزه‌گرفتن	۰/۰۶۳	-۰/۰۹۳
شرکت در نماز جماعت	۰/۰۴۶	-۰/۲۰۳**
شرکت در نماز جمعه	۰/۰۲۲	-۰/۰۹۵*
پرداخت خمس	۰/۰۱۷	-۰/۱۰۶*
دین‌داری فردی	۰/۰۶۳	-۰/۱۰۹*
دین‌داری جمعی	۰/۰۳۵	-۰/۱۵۵**
* معنادار در سطح ۰/۰۵ ** معنادار در سطح ۰/۰۱		

رابطه خیلی ناچیزی بین شاخص‌های دین‌داری و مشارکت انتخاباتی وجود دارد. روزه‌گرفتن، اقامه‌نماز و شرکت در نماز جماعت نسبت به دو شاخص شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس تأثیر بیشتری در مشارکت انتخاباتی دارند، ولی تأثیر همگی آن‌ها ناچیز است و نمی‌توان بر رابطه بین آن‌ها حکم داد تأثیر کاهنده سه شاخص دین‌داری یعنی اقامه نماز، شرکت در نماز جماعت و پرداخت خمس بر میزان آرای باطله نشان می‌دهد که این شاخص‌ها در انتخابات ریاست جمهوری نسبت به دو شاخص شرکت در نماز جمعه و روزه‌گرفتن تأثیر بیشتری دارند.

ما با استفاده از تجمیع و ترکیب دو مؤلفه میزان اقامه‌نماز و میزان روزه‌گرفتن و دو گویه شرکت در نماز جمعه و جماعت، دو متغیر تصنعی به ترتیب دین‌داری فردی و جمعی را ایجاد کردیم. جدول ۷ رابطه این دو با مشارکت انتخاباتی و آرای باطله را نمایش می‌دهد. ضرایب نشان می‌دهد که دین‌داری چه در شکل فردی و چه در شکل جمعی تأثیر مهمی بر مشارکت انتخاباتی ندارد. همبستگی معکوس دین‌داری جمعی و دین‌داری فردی با آرای باطله نشان می‌دهد که با افزایش دین‌داری در هر دو صورت آن، آرای باطله کاهش می‌یابد.

در ادامه با انجام تحلیل چند متغیره (تحلیل رگرسیون) درصد بررسی تأثیر شاخص‌های دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی هستیم تا نشان دهیم که چه عوامل و متغیرهای در تحلیل و مدل رگرسیون باقی می‌مانند. با انجام تحلیل رگرسیون مشخص شد، ضریب رگرسیون چندگانه نشانگر تأثیر میزان داشتن مرجع تقلید بر میزان مشارکت انتخاباتی در سال ۱۳۹۶ است. جدول ۸ نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می‌دهد. معادله زیر در رابطه با میزان مشارکت انتخاباتی برای سال ۱۳۹۶ بیان می‌شود:

$$\text{میزان مشارکت انتخاباتی } ۱۳۹۶ = ۰/۱۰۸ \times ۷۳,۱۷ \text{ (داشتن مرجع تقلید)}$$

جدول ۸- رگرسیون میزان مشارکت انتخاباتی بر داشتن مرجع تقلید

متغیر	میزان مشارکت انتخاباتی							Beta
	R	R2	Adjusted R Square	F	Sig	Constant	B	
میزان داشتن مرجع تقلید	۰,۱۰۸	۰,۰۱۲	۰,۰۰۹	۴,۳۷	۰,۰۰۰	۷۳,۱۷۴	۰,۱۰۵	۰,۱۰۸

در این معادله، رقم ۷۳,۱۷ نشانگر عرض از مبدأ (Constant) است؛ یعنی اینکه بدون لحاظ کردن تأثیر میزان داشتن مرجع تقلید بر میزان مشارکت انتخاباتی، این مقدار مشارکت انتخاباتی وجود داشته است و به‌ازای یک واحد افزایش در میزان داشتن مرجع تقلید ۰,۱۰۸ واحد بر میزان مشارکت انتخاباتی افزوده می‌شود.

۳.۴. ناهمنوایی اجتماعی و مشارکت انتخاباتی

یکی از ابعاد دین‌داری که در تحلیل محققان به‌عنوان دین‌داری پیامدی بررسی شده است، برخورد با ناهمنوایی اجتماعی است^۱. دین‌داری با تأثیرگذاری بر شکل‌گیری هنجارهای

۱. نوریس و اینگلهارت (۲۰۰۴) در کتاب مقدس و عرفی با فرض این امر که نهادهای مذهبی به‌طور سنتی نگرش‌های پرنسب به زندگی و مرگ دارند و مواردی از قبیل قتل از روی ترحم، خودکشی و سقط‌جنین را طرد (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰۴، ص. ۱۷۳) و همچنین دربارهٔ مواردی از قبیل طلاق، روسپی‌گری و هم‌جنس‌گرایی دیدگاه سخت و

خاص درباره ناهمنوایی اجتماعی (بدحجابی خانم‌ها، معاشرت و دوستی غیرشرعی دختر و پسر، تماشای موسیقی همراه با رقص زنان (شو) و شرکت در مهمانی و جشن‌های مختلط) می‌تواند بر مشارکت و ترجیح انتخاباتی تأثیر بگذارد. جدول ۹ روابط بین برخورد با ناهمنوایی اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله را در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری نشان می‌دهد. رابطه مستقیم و ناچیزی بین برخورد با ناهمنوایی اجتماعی^۱ و مشارکت انتخاباتی وجود دارد. همچنین همبستگی معکوسی بین برخورد با ناهمنوایی اجتماعی و میزان آرای باطله وجود دارد که با افزایش میزان سختگیری در نحوه برخورد با ناهمنوایی اجتماعی میزان آرای باطله کاهش می‌یابد.

تعصب‌آمیزی دارند (نورس و اینگلهارت، ۲۰۰۴، ص. ۲۲۴)، تساهل، مدارا و تعصب به این موارد را به‌عنوان پیامد دین‌داری طرح می‌کنند.

۱. با انجام تحلیل عاملی از گویه‌های چهارگانه فوق یک عامل استخراج شد و آلفای کرونباخ این پنج گویه ۰/۹۲۵ است که نشان می‌دهد می‌توان این گویه‌ها را به یک متغیر فروکاست. وزن عاملی آن‌ها به‌قرار زیر است:

جدول ۹- تحلیل عاملی گویه‌های ناهمنوایی اجتماعی		
عامل استخراج‌شده	وزن عاملی	گویه‌ها
ناهنوایی اجتماعی	۰,۸۹۶	بدحجابی خانم‌ها
	۰,۹۳۱	معاشرت و دوستی غیرشرعی دختر و پسر
	۰,۹۳۹	تماشای موسیقی همراه با رقص زنان (شو)
	۰,۸۶۸	شرکت در مهمانی و جشن‌های مختلط

جدول ۱۰- ضریب همبستگی مرتبه صفر نحوه برخورد با ناهمنوایی اجتماعی با مشارکت انتخاباتی و آرای

باطله در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری

نحوه برخورد با ناهمنوایی اجتماعی	مشارکت انتخاباتی ۹۶	آرای باطله
بدحجابی خانم‌ها	۰/۰۶۰	-۰/۲۴۹**
معاشرت و دوستی غیرشرعی دختر و پسر	۰/۰۶۱	-۰/۲۵۵**
تماشای موسیقی همراه با رقص زنان (شو)	۰/۰۲۴	-۰/۲۷۱**
شرکت در مهمانی و جشن‌های مختلط	۰/۰۳۶	-۰/۳۵۱**
ناهمنوایی اجتماعی	۰/۰۴۸	-۰/۳۱۳**
*معنادار در سطح ۰/۰۵ ** معنادار در سطح ۰/۰۱		

در نهایت تحلیل رگرسیونی نشان داد برخورد با ناهمنوایی‌ها در معادله رگرسیون تأثیری بر مشارکت انتخاباتی ندارد؛ بنابراین می‌توان ادعا کنیم که دین‌داری از طریق ناهمنوایی اجتماعی بر مشارکت انتخاباتی تأثیری ندارد، اما این سخن به معنای تأثیر نداشتن دین‌داری بر آرای باطله نیست. شاخص‌های دین‌داری، بیشتر از آنکه در مشارکت انتخاباتی مؤثر باشند، در میزان آرای باطله تأثیر دارند.

۴.۴. عضویت در اجتماعات مذهبی و مشارکت انتخاباتی

در بررسی روابط بین متغیرهای ذکر شده در بالا، قبل از انجام تحلیل رگرسیون ضروری است با استفاده از تحلیل همبستگی رابطه بین دین‌داری و عضویت در انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها را رصد کنیم. شایان ذکر است که دین‌داری در کل به‌طور عام و دین‌داری فردی به‌صورت خاص تأثیر مسدودکننده بر عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها دارد و تنها دین‌داری جمعی (شرکت در نماز جمعه و جماعت) عضویت در انجمن‌های اسلامی، هیئت‌های مذهبی، فعالیت در پایگاه بسیج، کانون‌های فرهنگی هنری و شورایی‌ها و گروه‌های محله‌ای را تقویت می‌کند؛ به عبارت دیگر، تأثیر دین‌داری فردی بر عضویت در انجمن‌ها،

گروه‌ها و سازمان‌ها اثر انسدادی و دین‌داری جمعی تنها بر برخی از عضویت‌ها (انجمن‌های اسلامی، هیئت‌های مذهبی، پایگاه بسیج، کانون‌های فرهنگی هنری و شورایی‌ها و گروه‌های محله‌ای) اثر بازکنندگی و اتساعی دارد. جدول ۱۱ ضرایب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری و مشارکت و عضویت در انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱- ضریب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری و عضویت در انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها

مشارکت انتخاباتی	آرای باطله	دین‌داری فردی	دین‌داری جمعی	باور به حضور	داشتن مرجع تقلید	
۰/۱۸۴**	۰/۰۳۵	-۰/۱۹۵**	۰/۰۴۵	-۰/۲۱۹**	-۰/۱۴۶**	انجمن‌های زیست‌محیطی
۰/۱۳۳**	۰/۰۱۵	-۰/۰۱۹	۰/۰۲۰	-۰/۲۰۲**	-۰/۰۵۲	مؤسسات خیریه
۰/۱۹۷**	۰/۰۳۹	-۰/۲۰۱**	۰/۰۱۵	-۰/۲۶۲**	-۰/۱۹۱**	انجمن‌های هنری و ادبی
۰/۱۹۱**	۰/۰۶۴	-۰/۲۲۸**	-۰/۰۱۴	-۰/۳۰۴**	-۰/۱۷۵**	باشگاه‌های ورزشی و تفریحی
۰/۲۳۳**	۰/۰۱۲	-۰/۲۴۱**	-۰/۰۵۴	-۰/۲۲۱**	-۰/۱۳۲**	اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای
۰/۱۶۵**	-	-۰/۰۰۳	-۰/۲۵۲**	-۰/۱۶۷**	-۰/۰۳۸	انجمن‌های اسلامی
۰/۱۸۹**	-۰/۰۱۹	-۰/۱۹۹**	۰/۰۴۳	-۰/۲۹۰**	-۰/۱۵۳**	تشکل‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی
۰/۱۰۵*	۰/۰۴۵	-۰/۱۳۳**	۰/۰۱۴	-۰/۲۳۷**	-۰/۱۷۵**	انجمن‌های علمی
۰/۲۵۹**	-	-۰/۰۶۲	-۰/۱۴۳**	-۰/۰۶۲	۰/۱۰۴*	هیئت‌های مذهبی هفتگی یا ماهانه
۰/۲۴۳**	-	۰/۰۵۳	۰/۲۶۳**	-۰/۱۳۴**	۰/۰۷۶	فعالیت در پایگاه بسیج
۰/۲۲۰**	-۰/۰۸۲	-۰/۰۱۲	۰/۱۵۰**	-۰/۲۵۷**	-۰/۰۹۵	کانون‌های فرهنگی هنری
۰/۱۲۲*	۰/۰۲۱	-۰/۱۲۸**	۰/۰۲۱	-۰/۲۷۳**	-۰/۱۷۹**	خانه‌های فرهنگ و فرهنگسرا

مشارکت انتخاباتی	آرای باطله	دین‌داری فردی	دین‌داری جمعی	باور به حضور	داشتن مرجع تقلید	
۰/۱۶۷**	-۰/۰۴۴	-۰/۱۹۴**	۰/۱۳۴**	-۰/۱۷۳**	-۰/۱۸۴**	شورایاری‌ها و گروه‌های محله‌ای
۰/۲۰۳**	۰/۱۴۹**	-۰/۲۲۱**	-۰/۱۵۴**	-۰/۲۳۵**	-۰/۲۲۰**	صندوق‌های قرض‌الحسنه دوستی یا خانوادگی
۰/۱۳۸**	۰/۰۹۷*	-۰/۱۳۸**	۰/۰۵۹	-۰/۲۰۰**	-۰/۱۴۹**	سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)
*معنادار در سطح ۰/۰۵ **معنادار در سطح ۰/۰۱						

با انجام تحلیل عاملی، از میان ۱۵ مورد ذکرشده در جدول ۱۱ (به‌جز دو مورد که در ادامه توضیح می‌دهیم) دو عامل استخراج شد که می‌توان آن‌ها را با عنوان کلی عضویت در اجتماعات مذهبی^۱ (۴ مورد: اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای، هیئت‌های مذهبی، پایگاه بسیج و انجمن‌های اسلامی) و غیرمذهبی (سایر ۹ مورد) نام نهاد. دو مورد تشکل‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی و صندوق‌های قرض‌الحسنه دوستی یا خانوادگی روی هیچ‌یک

۱. شایان ذکر است که با ملاحظه برای تأثیر مستقیم چهار معرف فوق با مشارکت انتخاباتی و جهت‌گیری مذهبی اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای، مجاز به تجمع آن‌ها در یک عامل هستیم. تجمع معرف‌های زیر در یک عامل با توجه به آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی انجام شد. ضریب آلفای کرونباخ برای چهار معرف عضویت در اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای، انجمن‌های اسلامی، هیئت‌های مذهبی هفتگی یا ماهانه و فعالیت در پایگاه بسیج، ۰/۷۶۲ است. با تحلیل عاملی از بین گویه‌ها، یک عامل استخراج شد که نام آن را عضویت در اجتماعات مذهبی نامیدم. بار هر معرف روی عامل به قرار زیر است.

جدول ۱۲- تحلیل عاملی گویه‌های ناهمنوایی اجتماعی		
گویه‌ها (معرف‌ها)	بار عاملی	آلفای کرونباخ
اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای	۰/۷۱۰	۰/۷۶۳
انجمن‌های اسلامی	۰/۸۳۶	
هیئت‌های مذهبی هفتگی یا ماهانه	۰/۸۱۸	
فعالیت در پایگاه بسیج	۰/۸۳۹	

از عامل‌ها بار نشد. بررسی تحلیل رگرسیون مشارکت انتخاباتی نشان داد که از میان شاخص‌های دین‌داری (اقامه نماز، روزه گرفتن، شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس، باور به حضور خداوند، داشتن مرجع تقلید، نحوه برخورد با ناهمنوایی‌های اجتماعی و عضویت در اجتماعات مذهبی)، تنها دو شاخص عضویت در اجتماعات مذهبی و باور به حضور خداوند در معادله رگرسیون باقی ماندند. معادله به‌قرار زیر است:

$$\text{(باور به 0.102 + (عضویت در اجتماعات مذهبی) 0.262 + 75.54 = میزان مشارکت انتخاباتی حضور خداوند)}$$

برای انجام تحلیل مسیر، ضروری است که جایگاه متغیرها در مورد وابسته و مستقل بودن آن‌ها بار دیگر تعریف شود. با وابسته بودن مشارکت انتخاباتی، ضرایب بتاها به دست آمد. سپس متغیری را که بیشترین بتا (β) را داشت (عضویت در اجتماعات مذهبی)، به‌عنوان متغیر وابسته انتخاب کردیم و این کار را برای متغیر دیگری که بتای (β) زیاد داشت؛ یعنی باور به حضور خداوند نیز انجام دادیم که در نهایت، مسیرهای زیر به دست آمد.

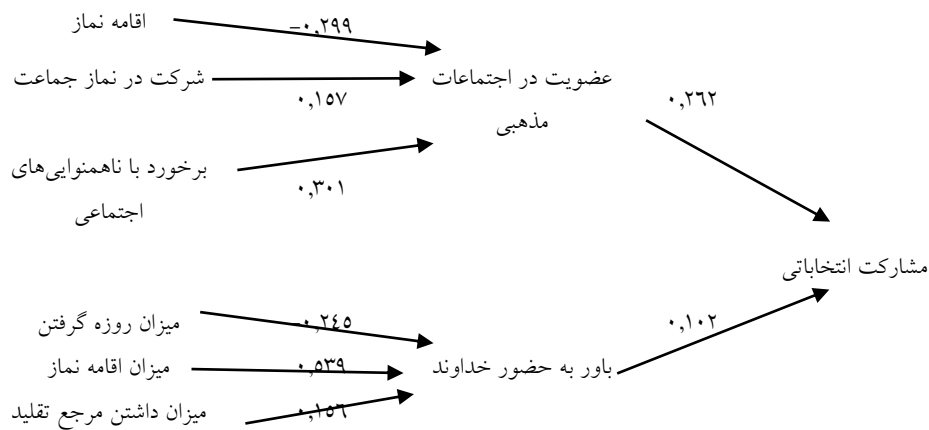
$$\text{(شرکت در نماز جماعت) 0.157 + (اقامه نماز) 0.301 + 66.12 = عضویت در اجتماعات مذهبی}$$

$$0.299 - \text{(برخورد با ناهمنوایی‌های)}$$

$$\text{(داشتن مرجع تقلید) 0.186 + (اقامه نماز) 0.539 + 0.245 - 81.94 = باور به حضور خداوند}$$

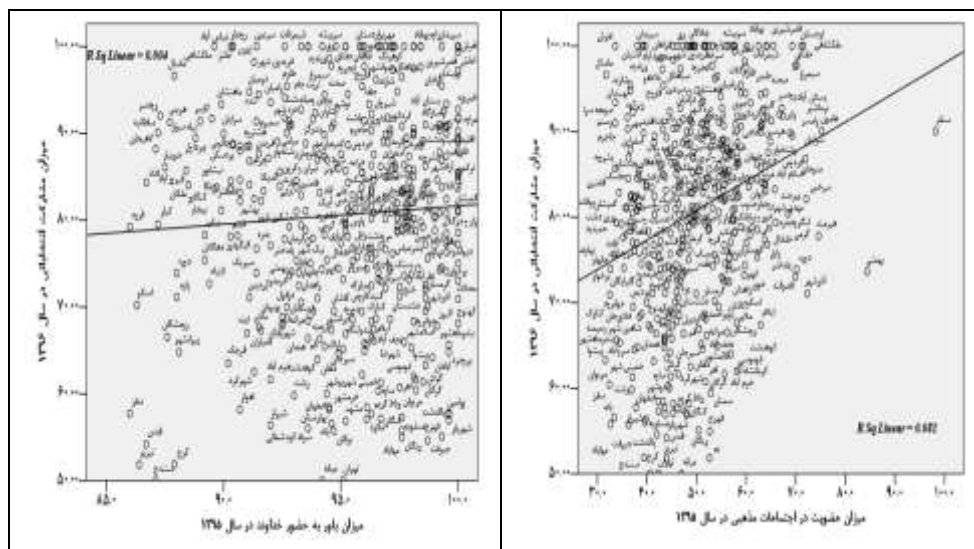
$$\text{(گرفتن روزه)}$$

بنابراین با توجه به تحلیل‌های یک متغیره و دو متغیره می‌توانیم مدل تحلیل مسیر زیر را برای مشارکت انتخاباتی ترسیم کنیم.



شکل ۱- تحلیل مسیر تأثیرگذاری عوامل بر مشارکت انتخاباتی

مدل نشان می‌دهد که تأثیر غیرمستقیم شاخص‌های دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی آن قدر نیست که بخواهیم در این زمینه فرضیه نبود رابطه بین این دو را رد کنیم؛ به عبارت دیگر، با احتساب تأثیرگذاری عضویت در اجتماعات مذهبی با ضریب $0/262$ و شاخص باور به حضور خداوند بر مشارکت انتخاباتی با ضریب همبستگی $0/102$ ، در مجموع با تأثیر $0/364 * 0/102 * 0/262$ می‌شود که در حد متوسط است. ذکرشدنی است که تأثیر غیرمستقیم شاخص‌های دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی در حد بسیار ناچیز است که می‌توان آن را نادیده بگیریم. در مجموع می‌توان گفت، دین‌داری تأثیر مستقیم بر مشارکت انتخاباتی ندارد و تنها باور به حضور خداوند و میزان عضویت در اجتماعات مذهبی (در مدل نهایی باقی ماندند) در حد بسیار کمی بر مشارکت دینی تأثیر دارند. شکل ۲ رابطه بین میزان عضویت در اجتماعات مذهبی و میزان باور به خداوند و مشارکت انتخاباتی در سال ۱۳۹۶ را روشن‌تر نشان می‌دهد.



شکل ۲- ترسیم توزیعی میزان عضویت در اجتماعات مذهبی و میزان باور با خداوند و مشارکت انتخاباتی در سال ۱۳۹۶

۴. ۵. بحث و بررسی

نتایج به دست آمده از تحلیل‌ها نشان می‌دهد دین‌داری تأثیر مستقیم، مهم و اساسی بر مشارکت انتخاباتی در سطح شهرستان ندارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش معمار^۱ متضاد و متباین است. ما معتقدیم که یافته ما وثاقت بیشتری در مقایسه با تحقیق معمار دارد. برای این امر ضروری است تا ضمن معرفی نتایج تحقیق معمار، آسیب‌های تحقیق وی را نشان دهیم. معمار مدعی است صرف‌نظر از نوع مذهب، میزان دینی بودن شهرستان‌ها به‌تنهایی و به نحو معناداری نزدیک به ۴۰ درصد از واریانس میزان مشارکت انتخاباتی آن‌ها را توضیح می‌دهد

۱. شایان ذکر است نتایج به دست آمده تحقیق با نتایج تحقیقات سراج‌زاده (۱۳۶۸)، رضی (۱۳۸۰) و حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۹) ناسازگار است. با توجه به اینکه سطح تحلیل رضی و حیدرآبادی و صالح‌آبادی استان و سطح تحلیل ما شهرستان است، از تحلیل و بررسی بیشتر آن دو پرهیز می‌کنیم. تحقیق سراج‌زاده با عطف به اینکه در سطح شهرستان است، ولی به دلیل محدود بودن شهرستان‌های بررسی شده (۸۰ شهرستان)، قدیمی بودن (انتخابات قبل از ۱۳۶۳) و در دسترس نبودن داده‌های آن، قابل نقد و بررسی بیشتر نیست.

که حاکی از نقش و تأثیر نسبتاً قدرتمند آن در تبیین این فرایند سیاسی مهم است (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۸). این ادعا در مقاله معمار ارائه شده است که مستخرج از رساله دکترای وی است.^۱ وی در رساله و کتاب (رساله منتشر شده) خویش ضریب مسیر ۰/۲۲۸ را گزارش و در مقاله ضریب دیگری را که برابر با ۴۰ درصد^۲ از واریانس است، ارائه می‌دهد. محقق برای اینکه تأثیر دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی را بزرگ‌نمایی کند، رقم ۰/۳۷۵ را به ۰/۴۰ تبدیل و از کلمه نسبتاً قدرتمند استفاده کرده است؛ در حالی که در اصل تحقیق (رساله) و کتاب، دین‌داری تأثیر قدرتمندی بر مشارکت انتخاباتی ندارد (معمار، ۱۳۸۸، ص. ۲۸۳؛ معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۹۴).^۳ معمار در رساله و کتاب خویش تأثیر دین‌داری را به‌عنوان متغیر تعدیلگر نیز به کار برده و مدعی است که تأثیر حجم طبقه متوسط (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۱) و شهرنشینی (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۸) منوط به دینی‌بودن جامعه است. با بازخوانی نتایج پژوهش معمار، می‌توان به شاخص‌سازی و اندازه‌گیری شاخص دینی‌بودن جامعه و مشارکت انتخاباتی وی نقدهای وارد کرد که اعتبار و روایی اندازه‌گیری تحقیق وی را مخدوش می‌کند. با وجود چنین نقدی نکات دیگری نیز وجود دارد که اعتبار و روایی داده‌های وی را در مظان شک و شبهه قرار می‌دهد که عبارت‌اند از:

۱. وی در رساله خویش که در سال ۱۳۹۱ در قالب کتاب منتشر شد مدعی است: دریافتیم که میزان دینی‌بودن، صرف‌نظر از نوع مذهب، تأثیر مستقیم و معناداری در میزان رأی‌دهی شهرستان‌ها دارد (با ضریب مسیر = ۰/۲۲۸)؛ البته مقدار این ضریب، نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج و انتظار اولیه، میزان دینی‌بودن شهرستان‌ها در مقطع مطالعه‌شده، تأثیر قدرتمندی بر میزان مشارکت انتخاباتی آن‌ها ندارد؛ به‌ویژه اگر مقدار این ضریب را با ضریب تأثیر بازتوزیع منابع، مقایسه کنیم (با ضریب مسیر = ۰/۴۶۹)، به این استنباط می‌رسیم که در مقطع مطالعه‌شده، اعمال عدالت توزیعی و اقدام برای رفع فقر و فلاکت، بیش از دو برابر عامل دینی‌بودن، در میزان مشارکت انتخاباتی شهرستان‌ها، تأثیر تقویت‌کننده داشته است (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۹۴).

۲. این ۴۰ درصد محتمل است همان ضریب همبستگی پیرسون (R یا r) باشد که برابر یا ۰/۳۷۵ است (معمار، ۱۳۹۱، صص ۲۷۴، ۲۴۸ و ۲۵۹؛ معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۸).

۳. عین جمله رساله و کتاب وی است. شایان ذکر است که در مقاله (۱۳۹۶) اثری از تحلیل مسیر و رقم ۰/۲۲۸ نیست.

اوصاف و خصوصیات که وی برای دینی بودن جامعه در نظر می‌گیرد، بیشتر جنبه عینی، مکانی و ساختاری (در معنای عامیانه) و به زبان مؤلف ساختاری و نهادی (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۵) دارد که پیوند متناظر و وثیقی با دین‌داری افراد ندارد. نسبت اماکن زیارتی، مناسبتی و عبادتی به جمعیت شهرستان، به‌عنوان شاخصی دیگری برای سنجش بعد شعاعی دینی، همگی اموری مکانی هستند که خارج از افراد حضور دارند. این ابعاد و معرف‌ها شاید در دین‌داری فرد تأثیرگذار باشند، اما کمتر جنبه ذهنیت و دین‌داری افراد جامعه را می‌سنجند. میزان اوقاف و هزینه‌کرد سالانه مذهبی نیز برای سنجش مشارکت دینی بیشتر جنبه اقتصادی و امنیتی دارد تا صرفاً دینی (معمار، ۱۳۹۰، صص. ۲۱۵-۲۲۰).

نحوه سنجش دینی بودن جامعه از سوی معمار با ملاحظه مشکلات خاص خود، مورد اجماع محققان نیست و با توجه به این نکته که معمار اعتبار و روایی آن را ارائه نداده است، می‌تواند اعتبار داده‌های کتاب و مقاله را به مرز نیستی فروبرد. محقق برای سنجش سازه مرتبه دوم اعمال دینی سازه‌های استاندارد شده مشارکت دینی و شعاع دینی را با یکدیگر ترکیب می‌کند و در نهایت نیز سازه مرتبه سوم، میزان دینی بودن جامعه را با استفاده از ترکیب سازه‌های استاندارد شده اعلام دین و اعمال دین اندازه‌گیری می‌کند (معمار، ۱۳۹۰، صص. ۲۱۶-۲۱۷). محقق مشخص که اولاً نحوه ترکیب آن‌ها چگونه است؛ هرچند به صورت مصداقی درباره یزد و مشهد توضیحاتی ارائه می‌دهد (معمار، ۱۳۹۰، ۲۴۱)، ولی رفع ابهام نمی‌کند؛ ثانیاً مشخص نیست که ترکیب آن‌ها به لحاظ فنی روش تحقق، آیا درست/کارا و یا نادرست/ناکاراست؟

داده‌های تحقیق معمار در سطح سیستمی ارائه شده است و شاخص‌های استفاده شده توسط وی برای یک دوره ۱۶ ساله (۱۳۶۸-۱۳۸۴) (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۳) است که بعد زمانی را در بر نمی‌گیرد. فرض اساسی محقق این است که دینی بودن شهرستان‌ها در طول زمان ۱۶ ساله یکسان است؛ امری که پذیرش آن سخت و دشوار است. دلایل انتخاب دوره‌های پنجم (۱۳۶۸)، هفتم (۱۳۷۶) و نهم (۱۳۸۴) دوره‌های انتخابات ریاست جمهوری

(معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۴) نیز مستدل و مشخص نیست که چرا محقق این سه دوره را انتخاب کرده و آن‌ها را با هم تجمیع و دوره‌های ششم و هشتم را حذف می‌کند. با توجه به تأثیرگذاری دوره به‌عنوان عامل مؤثر و مستقل^۱ (متغیر جدید)، تجمیع داده‌ها و حذف برخی از دوره‌های انتخاباتی مستدل نیست؛ بنابراین تجمیع دوره‌های انتخاباتی با هم باید براساس معیار و استدلالی معقول انجام گیرد. علاوه بر تأثیر دوره انتخاباتی بر میزان مشارکت انتخاباتی، ما مدعی هستیم که رابطه بین مؤلفه‌های دین‌داری و میزان مشارکت انتخاباتی برحسب قومی‌بودن، مرزی‌بودن و دوره‌های انتخاباتی متفاوت است. لازم به ذکر است رابطه دین‌داری با مشارکت انتخاباتی برحسب این عوامل (مرزی‌بودن و دارای ترکیب قومی، دوره‌ها و استان‌ها) متفاوت است؛ به‌عنوان نمونه رابطه میزان شرکت در نماز جماعت و میزان مشارکت انتخاباتی در استان‌های مرزی معکوس و در استان‌های غیرمرزی مستقیم است. رابطه بین دین‌داری و مشارکت انتخاباتی برحسب دوره انتخابات نیز تغییر می‌کند. در دوره هشتم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸۰) رابطه مستقیمی بین میزان شرکت در نماز جمعه و مشارکت انتخاباتی وجود دارد؛ درحالی‌که در دوره دهم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸۸) رابطه معکوس بین آن‌ها و در دوره یازدهم ریاست جمهوری چنین رابطه‌ای وجود ندارد (حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۹، ص. ۲۴۸)؛ بنابراین اگر تحلیل ما در سطح استانی پذیرفته شود، بنای تجمیع دوره‌های پنجم (۱۳۶۸)، هفتم (۱۳۷۶) و نهم (۱۳۸۴) سست می‌شود و بر این اساس اعتبار نتایج در مرز شک و تردید قرار می‌گیرد. ذکر این نکته اهمیت دارد که شاخص‌سازی به‌عنوان گام اساسی در علم و روش تحقیق حاوی مزایای زیادی است که به ذکر اهمیت و ضرورت آن نیاز نیست، اما این فن دارای آسیب‌ها و معایبی است که از

۱. حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۹) در سطح استانی، با تحلیل عاملی دوره‌های دوازده‌گانه انتخابات ریاست جمهوری، نشان می‌دهند که دوره‌های هشتم تا دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری روی یک عامل و دوره‌های اول تا هفتم روی عامل دیگر بار می‌شوند. در این تحلیل، رابطه معکوسی بین دوره‌ها و میزان مشارکت انتخاباتی در برخی از استان‌ها وجود دارد و با افزایش دوره‌ها، مشارکت انتخاباتی کاهش می‌یابد (حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۹، ص. ۲۴۷).

تجمع داده‌ها و اطلاعات به دست می‌آید. شاخص‌سازی که برای کمی کردن کیفیت‌ها استفاده می‌شود، موجب می‌شود که پدیده‌ها به اعداد تقلیل یابند و در طی فرایند تبدیل و تبدل مقداری از داده‌ها از بین برود. سازه ترکیبی که از تجمع داده‌ها به وسیله تکنیک‌های تحلیل عاملی، تاکسونومی (Taxonomy) و ... به دست می‌آید، موجب دفن داده‌ها در چاله‌های تحلیلی می‌شود. از این منظر، تجمع داده‌های ۱۶ ساله در یک شاخص، این نتیجه ناموجه (از جانب نگارنده فعلی مقاله) را به بار آورده است.^۱

بخشی از علل نتایج متفاوت تحقیق معمار به دلیل ماهیت تورشی و کجی بودن (Bias)^۲ مورد‌های مطالعه‌شده (نمونه‌ها) است. به نظر ما، در تحلیل و بررسی ایشان شهرستان‌هایی انتخاب و تحلیل شده‌اند که در بیشتر آن‌ها، دین‌داری رابطه مستقیمی با میزان مشارکت انتخاباتی دارد. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در ۲۲۵ شهرستان مستقیم و در ۲۰۱ شهرستان معکوس است. در عبارت آماری، ۵۲/۸ درصد شهرستان‌ها دارای رابطه مستقیم و ۴۷/۲ درصد دارای رابطه معکوس هستند؛ درحالی‌که در تحلیل معمار، در ۵۹/۸ درصد شهرستان‌ها رابطه دینی‌بودن و مشارکت انتخاباتی مستقیم

۱. برای نشان دادن آسیب این‌گونه تجمع، می‌توانیم با مثال فرضی بی‌اعتباری آن را نشان دهیم. اگر بین متغیر $X1$ و Y ضریب همبستگی ۰/۶۰ در سطح ۰/۰۰۰ معنادار باشد و همچنین ضریب همبستگی معناداری بین $X2$ و Y ، ۰/۶۰ باشد، ضریب همبستگی بین X (که از تجمع $X1$ و $X2$ حاصل می‌گردد) و Y هرچه باشد، کاذب است. در تفسیر این امر که رابطه کاذب کدام است، می‌توان کاذب‌بودن را بر سازه ترکیبی و تجمعی حمل کرد؛ زیرا داده‌های مربوط به $X1$ و $X2$ مطابق با واقعیت است، ولی داده تجمعی ساختگی است. کاذب‌بودن همبستگی در پرتو عقلانیتی استنباط می‌شود، نه به‌صرف ساختگی بودن سازه‌ای.

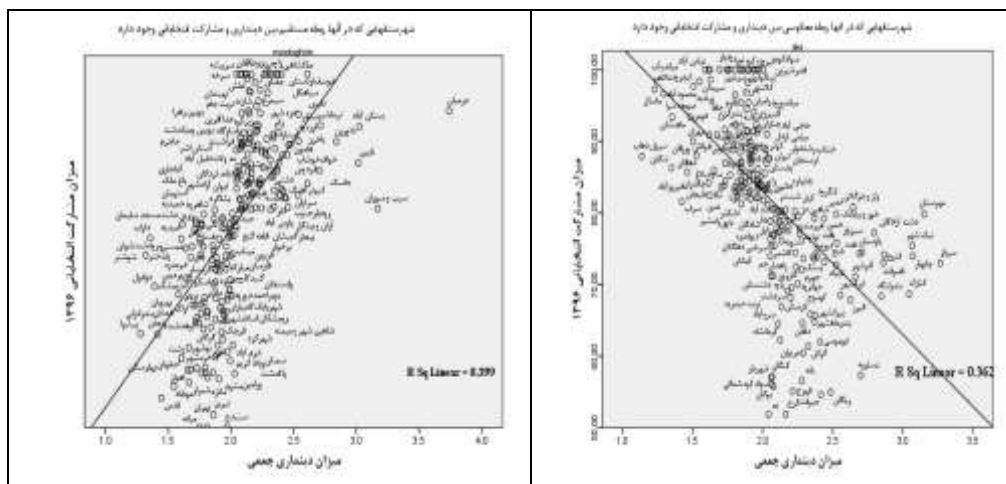
۲. محقق مدعی است که مطالعه وی با هدف پرهیز از تورش نمونه‌ای و افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها، به‌جای نمونه‌ها، با جمعیت‌ها سروکار دارد تا موارد بررسی‌شده را بیشینه کند؛ بنابراین جامعه آماری تحقیق، همه شهرستان‌های موجود کشور در سال ۱۳۶۸ است که تعداد آن‌ها ۱۸۹ شهرستان است (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۵)؛ بنابراین موارد مطالعه‌شده وی تمام‌شماری و بدون نمونه‌گیری است (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۶۵). محقق همچنین مدعی است مطالعه شهرستان‌ها در یک بازه زمانی و معدل‌گیری از خصایص شهرستان در کل دوره زمانی، می‌تواند تا حدود زیادی تضمین کند که اعوجاج ناشی از تغییر محدوده نواحی مختلف، به حداقل برسد (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۶).

(۱۱۳ شهرستان از ۱۸۹ شهرستان) و در ۴۰/۲ درصد رابطه فوق، معکوس است (۷۶ شهرستان‌ها از ۱۸۹ شهرستان). در تحقیق معمار، اگر ۱۰۰ شهرستان با رابطه مستقیم و ۸۹ شهرستان با رابطه معکوس، انتخاب و تحلیل می‌شدند، جامعه بررسی شده ایشان دارای کجی و تورش نمی‌شد؛ به عبارت دیگر، در تور پژوهش معمار شهرستان‌های افتاده‌اند که بیشتر آن‌ها دارای رابطه مستقیم بین رأی‌دهی و دینی‌بودن جامعه است. شایان توجه است که این آسیب بر محقق وارد نیست؛ زیرا محقق تمام‌شماری انجام داده است.

جدول ۱۳- توزیع شهرستان‌های کشور برحسب نوع رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی

تحقیق کنونی		تحقیق معمار		نوع رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی
درصد	تعداد شهرستان	درصد	تعداد شهرستان	
۵۲٫۸	۲۲۵	۵۹٫۸	۱۱۳	رابطه مستقیم (مثبت)
۴۷٫۲	۲۰۱	۴۰٫۲	۷۶	رابطه معکوس (منفی)
۱۰۰	۴۲۶	۱۰۰	۱۸۹	جمع

اگر بخواهیم مطالب خود را به صورت تصویری نمایش دهیم، شکل ۳ ارائه می‌شود؛ بر این مبنا شهرستان‌های کشور برحسب نوع رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی به دو نوع شهرستان تقسیم می‌شوند: ۱. شهرستان‌هایی که در آن‌ها بین دین‌داری و مشارکت انتخاباتی رابطه مستقیم وجود دارد و ۲. شهرستان‌های که در آن‌ها بین دین‌داری و مشارکت انتخاباتی رابطه معکوس وجود دارد. براساس این تعریف، شهرستان‌های تحقیق‌شده توسط معمار بیشتر از نمودار چپ انتخاب شده‌اند تا نمودار سمت راست (نکته جالب این‌که بیشتر مراکز استان‌ها و شهرستان‌های بزرگ در پایین نمودار سمت چپ دیده می‌شوند (دین‌داری جمعی پایین و مشارکت انتخاباتی پایین)؛ از قبیل تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اهواز، رشت، سنج، اصفهان، سمنان، بوشهر، گرگان، خرم‌آباد، زنجان، همدان، قم، اراک، ایلام، بویراحمد و...).



شکل ۳- ترسیم توزیعی رابطه بین مشارکت انتخاباتی و دینداری بین شهرستان‌های که در آن‌ها رابطه مستقیم و معکوسی وجود دارد

بر اساس آسیب‌های وارد بر تحلیل معمار، معتقدیم که دینداری تأثیر مهم و اساسی بر مشارکت انتخاباتی ندارد، اما این سخن به معنای تأثیر نداشتن دینداری بر نتایج انتخابات و ترجیح انتخاباتی نیست. شاخص‌های دینداری، همچنان که جدول ۱۴ نشان می‌دهد، بیشتر از آنکه در مشارکت انتخاباتی مؤثر باشند، در ترجیح انتخاباتی تأثیر دارند.

جدول ۱۴- ضریب همبستگی بین شاخص‌های دینداری و میزان آرای نامزدهای انتخاباتی (۱۳۹۶)

شاخص دینداری	هاشمی‌طبا	میرسلیم	رئسی	روحانی
داشتن مرجع تقلید	-۰/۰۷۳	-۰/۰۷۳	-۰/۳۱۱**	-۰/۲۹۸**
اقامه نماز	-۰/۰۸۶	-۰/۰۸۶	۰/۲۶۰**	-۰/۲۵۹**
روزه‌گرفتن	-۰/۰۸۰	-۰/۰۸۰	۰/۲۱۲**	-۰/۲۱۰**
شرکت در نماز جماعت	-۰/۲۶۲**	-۰/۲۶۲**	-۰/۰۶۸	-۰/۰۵۷
شرکت در نماز جمعه	-۰/۳۵۱**	-۰/۳۵۱**	-۰/۰۹۳	۰/۱۰۲*

شاخص دین داری	هاشمی طبّا	میرسلیم	رئییسی	روحانی
پرداخت خمس	-۰/۱۳۶**	-۰/۱۳۶**	-۰/۰۸۴	۰/۰۹۶*
دین داری فردی	-۰/۰۸۷	-۰/۰۸۴	۰/۲۴۷**	-۰/۲۴۵**
دین داری جمعی	-۰/۳۱۸**	-۰/۳۱۸**	-۰/۰۱۴	۰/۰۲۴
*معنادار در سطح ۰/۰۵ ** معنادار در سطح ۰/۰۱				

ضریب همبستگی مرتبه صفر بین داشتن مرجع تقلید و میزان آرای رئیسی مستقیم و در حد متوسط است و با افزایش افراد دارای مرجع تقلید در شهرستان‌های کشور میزان آرای رئیسی افزایش می‌یابد. رابطه بین داشتن مرجع تقلید و میزان آرای روحانی معکوس و در حد متوسط است و با افزایش افراد دارای مرجع تقلید در شهرستان‌های کشور میزان آرای روحانی کاهش می‌یابد.

رابطه معکوسی بین میزان نمازخواندن و روزه‌گرفتن و میزان آرای روحانی وجود دارد و با افزایش میزان اقامه‌نماز و روزه‌گرفتن در سطح شهرستان‌های کشور از میزان آرای روحانی کاسته می‌شود. همچنین رابطه مستقیم بین میزان نمازخواندن و روزه‌گرفتن و میزان آرای رئیسی وجود دارد و با افزایش اقامه‌نماز و روزه‌گرفتن در سطح شهرستان‌های کشور بر آرای رئیسی افزوده می‌شود. تأثیر کاهنده سه شاخص دین داری یعنی شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس بر آرای دو نامزد کم رأی (هاشمی طبّا و میرسلیم) نشان می‌دهد که این شاخص‌ها (شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس) در انتخابات ریاست جمهوری نسبت به دو شاخص اقامه‌نماز و روزه‌گرفتن تأثیر کمتری دارند. شایان توجه است که دو نامزد میرسلیم و هاشمی طبّا در مقایسه با روحانی و رئیسی نامزدهای غیرمطرح در انتخابات ریاست جمهوری بودند و این دو نامزد تنها دو

درصد آرای ریاست جمهوری را کسب کردند. بیشترین آرای (۵۷ درصد) ریاست جمهوری به روحانی و ۳۸ درصد به رئیسی متعلق بود.

تأثیر افزایشی و ناچیز دو شاخص دین‌داری یعنی شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس بر آرای روحانی نیز نشان می‌دهد که این دو شاخص برخلاف دو شاخص اصلی دین‌داری یعنی میزان نمازخواندن و روزه‌گرفتن (هر دو با تأثیر کاهنده و در حد متوسط) تأثیر مثبتی بر آرای روحانی دارند که نشانگر پیچیدگی تأثیرات و اثرات متباین شاخص‌های دین‌داری بر ترجیح انتخاباتی است. ضرایب نشان می‌دهد که دین‌داری چه در شکل فردی و چه در شکل جمعی تأثیر مهمی بر ترجیح انتخاباتی دارد. دین‌داری فردی همبستگی بیشتری با آرای رئیسی (همبستگی مستقیم و در حد متوسط) و روحانی (همبستگی معکوس و در حد متوسط) دارد تا دین‌داری جمعی. نکته درخور توجه این است که همبستگی دین‌داری جمعی با آرای رئیسی و روحانی در جهت متباینی با دین‌داری فردی است.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت نهاد دین و نظام سیاسی دینی در ایران و بررسی‌نشده و تبیین‌نشده مشارکت انتخاباتی در سطح سیستمی به‌وسیله دین در ایران به‌وسیله محققان، اعوجاجات نظری مربوط به دین در جامعه (سکولاریسم) و اغتشاشات تجربی درباره تأثیر دین و دین‌داری بر رأی‌دهی در متون غالب خارجی و کمبود مطالعات مشخص و موثق درباره دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در داخل ایران، این مطالعه رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی را در شهرستان‌های ایران بررسی می‌کند. در این زمینه، مقاله با نقد یافته‌های سه تحقیق سراج‌زاده (۱۳۶۸)، رضی (۱۳۷۴) و معمار (۱۳۹۱) پژوهش‌های انجام‌گرفته در سطح سیستمیک و مطابق با سطح مقاله) نشان داد که نتایج این پژوهش‌ها در برابر نقدها وارد شده آسیب‌پذیر هستند. باوجود چنین آسیب‌هایی می‌توان نتایج تحقیق معمار و رضی را حفظ کرد و نقدها را به سمت‌وسویی منتقل کرد که هسته اصلی پژوهش (تأثیر نسبتاً

قدرتمند دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی) حفظ شود و چنین بنویسیم که تأثیر دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی نسبتاً قدرتمند است (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۸)، ولی این تأثیر فقط و فقط در همین تحقیق و با همین تعداد نمونه و با همین ترکیب و با همین نوع از سنجش دین‌داری و مشارکت انتخاباتی و... جاری و ساری است. این‌گونه توجیهات، نشانه‌ای از خارج‌سازی قراین متناقض از حوزه تحقیق است تا پژوهشگر بتواند تحقیق و نتایج آن را در هر شکلی تأیید کند. در این مهم، مهم‌ترین وظیفه محقق آن است مبطلات بالقوه و بالفعل تحقیق را به نحوی از انحاء توضیح یا توجیه کند. از نظر روشی، این‌گونه توجیهات، اصلاحات موضعی، دورانی، برای خود یا تبصره‌ای^۱ (Ad Hoc) است که یکی از انواع شناخته‌شده تبیین‌های بی‌اعتبار (رجب‌زاده، ۱۳۷۶، ص. ۶۷) است که بدترین شیوه برای دفاع و نجات یک تحقیق است.

تحقیقات پیشین به این نتیجه رسیده بودند که نوع مذهب هم در سطح شهرستان (معمار، ۱۳۸۹، ۱۳۹۱، ۱۳۹۶) و هم در سطح استان (رضی، ۱۳۷۴، ۱۳۸۰) بر مشارکت انتخاباتی تأثیر دارد؛ امری که در بدو امر به نظر می‌رسد معتبر باشد، اما با تعمیق بیشتر و کنترل دو متغیر هم‌پوش با نوع مذهب (مرزی‌بودن و قومی‌بودن)، تحقیق نشان داد که تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی تحت تأثیر قومی‌بودن شهرستان قرار دارد و این قومی‌بودن شهرستان است که موجب افزایش و کاهش میزان مشارکت انتخاباتی است، نه نوع مذهب؛ به عبارت روشن‌تر، آنچه موجب تفاوت در میزان آرا می‌شود، قومی‌بودن و غیرقومی‌بودن شهرستان‌ها است، نه سنی و شیعه بودن شهرستان. تحقیق همچنین نشان داد که دین‌داری تأثیر مهم و

۱. سعید زیباکلام در کتاب چستی علم این اصطلاح را به تبصره‌ای ترجمه نموده است. برخی از دانشمندان جرح و تعدیل نظریه را با اضافه کردن تبصره‌هایی بر آن رد می‌کنند و چنین اصلاح و توجیهی را اصلاح موضعی یا تبصره‌ای می‌نامند (چارلمرز، ۱۳۷۴: ۱۸). به این‌گونه تبیین‌ها (تبیین یا استدلال Ad Hoc) که پوپر به آن اشاره می‌کند؛ استدلال دورانی یا دایره‌ای هم می‌گویند (رفیع‌پور، ۱۳۶۰: ۱۱۸). ما این مفهوم را که برای نظریه و تبیین به‌کار می‌رود؛ به‌کل تحقیق و پژوهش تعمیم دادیم. اساس چنین تعمیمی بجا و درست است.

اساسی بر مشارکت انتخاباتی ندارد، اما این سخن به معنای تأثیر نداشتن دین‌داری بر نتایج انتخابات و ترجیح انتخاباتی نیست. شاخص‌های دین‌داری، بیشتر از آنکه بر مشارکت انتخاباتی مؤثر باشند، بر ترجیح انتخاباتی تأثیر دارند. از منظر نظریه‌ها، دین از طریق اجتماع‌سازی (عضویت در اجتماعات مذهبی) و جنگ‌های فرهنگی، نظریه شکاف‌ها و نظریه قومی-مذهبی بر ترجیح انتخاباتی، نه مشارکت انتخاباتی اثر می‌گذارد.

کتاب‌نامه

۱. امام‌جمعه‌زاده، س. ج.، رهبر قاضی، م. م. ر.، برزگر قاضی، ک. ک. و صادقی نقدعلی، ز. (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان دین‌داری و رفتار انتخاباتی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تبریز). *فصلنامه علمی پژوهشی قدرت نرم*، ۸(۳)، ۲۷-۴۴.
۲. اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی* (م. وتر، مترجم). تهران: کویر.
۳. اینگلهارت، ر.؛ ولزل، ک. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی* (ی. احمدی، مترجم). تهران: کویر.
۴. چالمرز، آ. ف. (۱۳۷۴). *چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی* (س. زیباکلام، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. حیدرآبادی، ا.، و صالح‌آبادی، ا. (۱۳۹۹). دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در ایران (مطالعه موردی انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹). *دو فصلنامه علم دین و ارتباطات*، ۲۷، ۲۶۶-۲۲۹.
۶. دارابی، ع. (۱۳۸۸). *رفتار انتخاباتی در ایران: الگوها و نظریه‌ها*. تهران: انتشارات سروش.
۷. دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری دانشگاه تهران (۱۳۹۶). *پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران* (جلد ۳۱). تهران: ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۸. رابرتسون، ی. (۱۳۷۲). *درآمدی بر جامعه* (ح. بهروان، مترجم). مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

۹. رجب‌زاده، ا. (۱۳۷۶). نقد روشی یک تحقیق، نمایه پژوهش، ۲، ۶۶-۷۸.
۱۰. رضوانی، م. (۱۳۸۶). تحلیل رفتار انتخاباتی: (مورد شناسی انتخابات نهم ریاست جمهوری). مجله معرفت، ۱۲۳، ۱۴۹-۱۶۶.
۱۱. رضی، د. (۱۳۷۴). بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۱۲. رضی، د. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از انقلاب. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۳۷ و ۳۸، ۱۹۳-۲۳۶.
۱۳. رفیع‌پور، ف. (۱۳۶۰). کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۴. رهبر قاضی، م. ر.، امام‌جمعه‌زاده، س. ج.، نوربخش، س.، و خاکی، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه دین‌داری با دو نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی و دموکراتیک، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۹(۱)، ۱۴۱-۱۶۵.
۱۵. ریاحی، ا. م.، علیوردی‌نیا، ا.، و بنی‌اسدی، م. ر. (۱۳۸۷). بررسی اثرات دین‌داری و جهت‌گیری دینی بر سلامت روان دانشجویان دانشگاه مازندران، دو فصلنامه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۵ (۲)، ۵۱-۹۰.
۱۶. زارع، ب.، و روهنده، م. (۱۳۹۵). پژوهشی در باب دین‌داری و مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج). پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱، ۲۳-۴۶.
۱۷. سراج‌زاده، س. ح. (۱۳۶۸). بررسی میزان شرکت مردم در انتخابات بعد از انقلاب در شهرستان‌های کشور و رابطه آن با برخی از متغیرهای اجتماعی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۱۸. سرداری، ع. ا. (۱۳۹۱). تحلیل میزان مشارکت انتخاباتی در انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۵۱-۱۳۸۱). (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۱۹. سیدامامی، ک. (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۶ (۲)، ۳۳-۵۲.

۲۰. سیدامامی، ک.، و عبدالله، ع. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس: مطالعه موردی شهر تهران، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۴ (۴)، ۱۰۹ - ۱۴۶.
۲۱. سیدامامی، ک.، و مددلو، ر. (۱۳۹۴). دلایل مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری: مطالعه موردی رأی‌دهندگان شهر خوی، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳ (۶)، ۲۷ - ۴۹.
۲۲. طالبان، م.ر.، و میرزائی، م. (۱۳۸۹). بررسی تجربی ارتباط سطوح دین‌داری با رفتار انتخاباتی دانشجویان، دانشنامه علوم اجتماعی، ۴ (۱)، ۳۳-۶۷.
۲۳. کتابی، م.، گنجی، م.، احمدی، ی.، و معصومی، ر. (۱۳۸۳). دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ۲ (۱۷)، ۱۶۹ - ۱۹۲.
۲۴. کشاورز، ز.س.، یزدخواستی، ب.، و ربانی خوراسگانی، ع. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر دین‌داری بر گرایش به رفتار انتخاباتی شهروندان اصفهانی با تأکید بر نظام مردم‌سالاری دینیو جامعه‌شناسی کاربردی، ۲ (۲۶)، ۱۷-۴۰.
۲۵. معمار، ر.ا. (۱۳۸۸). تبیین جامعه‌شناختی مشارکت انتخاباتی: بررسی تطبیقی میزان رأی‌دهی بین شهرستان‌های ایران، (رساله منتشر نشده دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۲۶. معمار، ر.ا. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۷. معمار، ر.ا. (۱۳۹۶). پژوهشی جامعه‌شناختی درباره تأثیر دینی بودن و نوع مذهب بر مشارکت سیاسی در ایران: یک تحلیل کلان‌نگر. دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۹ (۴)، ۲۵۳-۲۸۳.
۲۸. میرزائی، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۲۹. میرزائی، م. (۱۳۹۲). دین‌داری و رفتار انتخاباتی (مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی سیاسی)، تهران: سبز رایان گستر.
۳۰. نوریس، پ.، و اینگلهارت، ر. (۱۳۸۷). مقدس و عرفی، دین و سیاست در جهان: کندوکاوی در جوامع مذهبی و غیرمذهبی جهان (م. وتر، مترجم). تهران: کویر.

31. Norris, P., & Inglehart, R. (2004), *Sacred and secular: Politics and religion worldwide*. Cambridge: Cambridge University Press.